



۲۰۱۸/۱۲/۰۱



مرجان کمال

ولایت لاهوگر

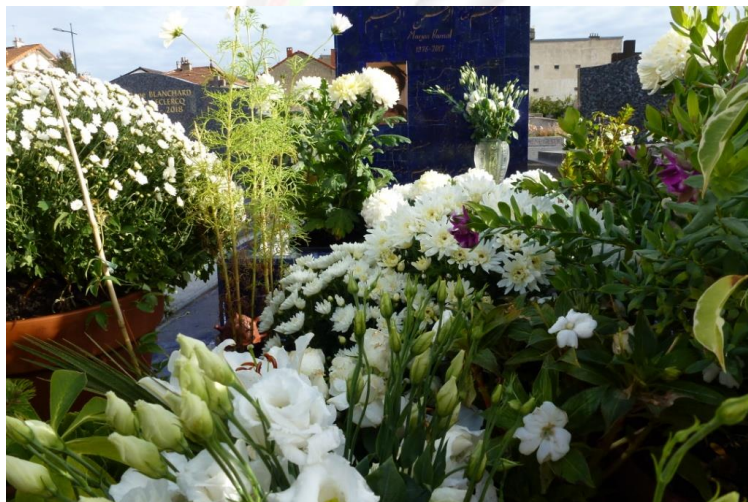
دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت نهم

چرا این سنگ را یارب شرر نیست
اگر این سکه ام قلب است اگر نیست

دلی دارم که در سوزش اثر نیست
به جز نام تو در وی نیست نقشی



یکی از مشخصات، نتیجه بلند رفتن بسیار قوی چهره های نو قدرت های محلی در شروع سال های ۱۹۸۰ میلادی تأسیس و پایه گذاری یک محافظه کاری اجتماعی، که به مثل یک آداب و آیین بسیار خشن اساسات اسلام تعریف گردید:

ممنوع قرار دادن رقص در محافل عروسی، بازی های مانند مسابقه مرغ جنگی، گنسرت ها، شعر خوانی ها و همه بازی های تفریحی در مکان های عمومی که یک مسئله خیلی مهم و بسیار زیاد قابل اهمیت است، زیرا که این عملکرد

باعث از بین رفتن رسوم و عادات فرهنگی گردیده و از انتقال آن به نسل های بعدی کاسته شده، و در این طور یک بافت جامعه، بقا آن مطمئن نمی باشد.

ولایت لهوگر در « جنگ گلی علیه وحشت »:

«جنگ گلی علیه وحشت» که در اخیر سال ۲۰۰۱ میلادی، با عین چهره های محلی بی جهاد علیه اشغال شوروی ها به راه انداخته شد، و دینامیک خشونت مسلحانه عیناً به سال های ۱۹۸۰ میلادی شباهت دارد، مگر چیزی که به این دینامیک علاوه گردید است همانا موجودیت بسیار زیاد و برجسته شبکه های فراملتی که ارتباط بسیار مهم در جیوستراتژیک منطقه دارد.

سکتورها و یا بخش های جنگ:

در سال ۲۰۰۳ میلادی ملا محمد عمر در تحریک طالبان افغان، خود را به سرکردگی شورای کویته تحمیل نمود. که این شورا عبارت از یک ساختار فرمان دهی سیاسی و نظامی شورشیان علیه دولت و قوای ناتو در افغانستان گردید.



طالب ها در نیمه دوم سال های ۱۹۹۰ میلادی در ولایت قندهار به کمک یک ترکیب دوباره گروه های مسلح که به حرکت انقلاب اسلامی ارتباط داشت بروز نمودند. این تنظیم قسمی که ما قبلاً دیدیم از جمله یک تنظیم بزرگ در ولایت لهوگر بود، که طالب ها بعد از سال ۱۹۹۵ میلادی این ولایت را به صورت نظامی اشغال نمودند.

شورش ملا محمد عمر بر علیه دولت مشتمل دو تنظیم دیگری که در زمان جهاد علیه شوروی تشکیل گردیده بودند نیز می باشد که عبارت اند از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار (H.I.G) و حزب اسلامی جلال الدین حقانی اند.

اولی که یک چهره مهم دیگر در ولایت لهوگر است، و دومی بر علاوه

دیگر احزاب، در ولایات جنوب شرق، مخصوصاً ولایت پکتیا که همجوار ولایت لهوگر است در پلان اول قرار دارد، و از طرف دیگر دارای یک پایگاه در شمال وزیرستان پاکستان می باشد. هر سه این چهره به همراه القاعده با یک رابطه بسیار محکم از زمان بروز شان در سال ۱۹۹۰ میلادی گره خورده اند. که از یک طرف برای دفاع ملی جهاد می کنند و در عین زمان ایدیولوژی جهاد گلی القاعده را پذیرفته اند.

گروه های مسلح از طریق ولسوالی های همجوار پاکستان در همان جا های که پایگاه های محلی شان است به داخل افغانستان نفوذ و رخنه نموده، و از همین طریق پایگاه های شورشیان در بین سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ میلادی به طرف نقاط دور تر از سرحد پاکستان وسعت نمودند، و این گسترش بالای قلمرو به صورت موازی و هم زمان با گسترش ناتو صورت گرفت. مداخله ناتو در افغانستان در داخل چوکات یک ماموریت برای برقرار نمودن ثبات سیاسی، که قوای بین المللی حمایت و امنیت (ISAF) که توسط شورای امنیت ملل متحد در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ خلق گردید، و در سال ۲۰۰۲ میلادی تنها در ولایت کابل مستقر بودند، که از ۱۸ مملکت تشکیل و تعداد شان به ۴۵۰۰ نفر، و تحت قومندانی انگلستان بودند.

بعداً ایساف (ISAF) وسعت پیدا نموده و بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ میلادی قوای بین المللی به ۵۳۰۰۰ نفر رسید و در سال ۲۰۱۰ به صد هزار نفر ارتقاء یافت. در ولایت لهوگر یک هیأت دوباره سازی یا احیای مجدد ولایتی چکی ها که تعداد شان به ۲۰۰ نفر می رسید اقامت گزین شدند. این هیئت مؤظف به تطبیق ۷۲۰ پروژه های انکشافی می بودند، که بودجه آن به سیزده میلیون دالر می رسید.

قوای چکی به سر قومندانی محلی در شرق وطن که سیزده ولایت دیگر را نیز در بر می گرفت مربوط بودند. در دوره استقرار شان در ولایت لهوگر بین سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ تلفات شان به یک کشته و هفده زخمی می رسید، بر علاوه قوای نظامی امریکایی ها در چندین پایگاه و پوسته های قوماندانی ولایت لهوگر فعال هستند.

ادامه دارد



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که قسمت های قبلی و مطالب دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده، در صفحه مقالات می توانند به فهرست "آرشیف" وی رهنمائی شوند.

